



به دل خودسازی (و آن را نگشایی) مگر برای (شنیدن) سخن خوبی که در دلت خیری پدید آورد یا اخلاق والایی بدان کسب کنی، زیرا «گوش دروازه دل است، هر نوع معنی خوب یا بدی را به آن می‌رساند گوش از مهم ترین اعضای انسان برای شناخت حقایق است. کافی است لحظه ای چشمانتان را فروبندید و تنها به آوای زندگی گوش بسپارید تا هزاران نعمت را بشناسید. حق گوش های بیهوده حفظ کنیم بر انسان آن است که آن را از شنیده

#### حق چشم. ۴.

وَأَمَّا حَقُّ بَصَرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ تَرْكُ إِتْدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصَرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ و اما حق چشمت این است که از هر چه روا نیست آن را بیوشانی و مبتذلش نکنی، مگر برای محل عبرت‌آوری که از آن بینا «شوی یا دانشی به دست آوری زیرا دیده، وسیله عبرت است چشم انسان نمادی از حالات درونی و آشکارکننده باطن ماست کندو اهمیت آن غیرقابل انکار است. امام سجاد گوشزد می که به جای نگاه ناپاک چشم را از نگاه های محبت آمیز به های جهان پر کنیم خانواده، دستاوردهای علمی و شگفتی

#### حق پا. ۵.

وَأَمَّا حَقُّ رَجْلَيْكَ فَإِنَّ لَا تَمْشِي بِهِمَا إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ لَا تَجْعَلَهَا مَطِيَّتَكَ فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَحْفَهِ بِأَهْلِهَا فِيهَا فَإِنَّهَا حَامِلَتُكَ وَ سَالِكَةُ بِكَ مَسْلَكِ الدِّينِ وَ السَّبْقِ لَكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و اما حق دو پایت این است که با آنها به جایی که روانیست نروی، مرکب راهی که پویندگان خفت و اهانت بینند قرارش ندهی، پا وسیله نقلیه «توست، به راه دینت می‌برد، و وسیله سبقت توست. و لا قوه الا بالله

#### حق دست. ۶.

وَأَمَّا حَقُّ يَدِكَ فَإِنَّ لَا تَبْسُطُهَا إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ فَتَنَالَ بِمَا تَبْسُطُهَا إِلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الْعُقُوبَةَ فِي الْأَجَلِ وَ مِنَ النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْعَاجِلِ وَ لَا تَقْبِضُهَا مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ لَكِنْ تَوَقَّرْهَا بِه تَقْبِضُهَا عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهَا وَ تَبْسُطُهَا بِكَثِيرٍ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ عَقَلَتْ وَ شَرَفَتْ فِي الْعَاجِلِ وَ جَبَّ لَهَا حُسْنُ الثَّوَابِ مِنَ اللَّهِ فِي الْأَجَلِ و اما حق دست تو این است که آن را به ناروا دراز نکنی تا فردا گرفتار کیفر خدا و امروز گرفتار سرزنش مردم در دنیا شوی و از کارهای واجب آن را عقب نکشی، بلکه با بستن دست از بسیاری از نارواها و گشودنش به بسیاری از غیر واجبات، عزیزش دار؛ آنگاه است «که خردمندی کرده شرف دنیا و ثواب آخرت را فراهم خواهد کرد

#### حق شکم. ۷.

وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنَّ لَا تَجْعَلَهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَ لَا لِكَثِيرٍ وَ أَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَ لَا تُخْرِجَهُ مِنْ حَدِّ التَّقْوِيَةِ إِلَيَّ حَدِّ التَّهْوِينِ وَ ذَهَابِ الْمُرُوءَةِ فَإِنَّ الشَّبَعَ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى التَّحَمِّ مَكْسَلَةٌ وَ مَشْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ عَنْ كُلِّ بَرٍّ وَ كَرَمٍ وَ إِنَّ الرَّاْيَ الرَّاْيَ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ مَسْحَفَةٌ وَ مَجْهَلَةٌ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْمُرُوءَةِ و اما حق شکمت این است که آن را ظرف حرام کم یا زیاد نکنی و از حلال هم به اندازه اش بدهی و از حد تقویت به حد شکم‌خواری و بی‌مروتی نرسانی، و هرگاه گرفتار گرسنگی و تشنگی شد، بر آن مسلط باش؛ زیرا سیری بی‌اندازه شکم را بیاشوبد و کسالت آورد که مایه باز ماندن و دور شدن از هر کار نیک و ارجمند است و نوشابه‌ای که صاحبش را مست «کند، مایه سبکسری و نادانی کردن و بی‌مروتی است

این حق نه تنها سعادت ابدی بلکه زندگی دنیوی ما را دهد. چرا که پرخوری ام الامراض است وهم سامان می کند و اراده رادانستن حد خوردن انسان او را ارجمند می گشایدسازد و دری به مسیر کمال مقابل انسان می‌قوی می

#### حق شرمگاه. ۸.

وَأَمَّا حَقُّ فَرْجِكَ فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ الْاسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ «بَعْضَ الْبَصَرِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْوَنِ الْأَعْوَانِ وَ ضَبْطُهُ إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَ الظَّمِّ وَ كَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ التَّهَدُّدِ لِنَفْسِكَ بِاللَّهِ وَ التَّخْوِيفِ لَهَا بِهِ وَ بِاللَّهِ الْعِصْمَةَ وَ التَّأْيِيدُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ و اما حق فرجت نگهداری آن است از آنچه حلال نیست برایت و کمک گرفتن بر آن است به چشم‌پوشی از نامحرم؛ زیرا که آن بهترین یاوران است، و نیز با بسیار یاد مرگ کردن و خود را تهدید کردن از خوف «خدا، و از خدا است عصمت و تأیید و و جنبش و توانی نیست جز به او ای باید دانست که پاسخ مناسب به غرایز، لذت و آرامش و انگیزه آورد حال آن که پاسخ ناشایست برای کوشش را در وجود ما پدید می کند و رسوایی دنیا و بر خاسته از فساد روح انسان را پژمرده می عذاب آخرت را در پی دارد. در این حدیث، بشر به خوف خدا خوانده شده است تا به این وسیله بتواند غرایز را مهار کرده و به کمال برسد در این رساله حضرت امام سجاد(ع) به زیبایی هر چه تمام تر همچون چراغی درخشان، مسیر سعادت دنیا و آخرت و رسیدن به جنت که به گفته ی حضرت رسول «نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و کندنه به تصور کسی آمده» را برای پیروان خویش ترسیم می (تحف العقول، النص، ص ۲۵۷)

زیبا و اشقانی فراهانی

مداخله نکند در مورد ماهیت حقوقی این حرکت انقلابی نظرات مختلفی وجود دارد که ما به ارائه نظرات موافقان و مخالفان میپردازیم موافقان.

اگر بخواهیم با جهان‌بینی غربی، درباره موجه بودن تسخیر سفارت آمریکا در تهران سخن بگوییم و از اصول ابداعی حقوقی بین‌الملل کمک بگیریم، می‌توانیم به اظهارات فرانسیس آنتونی بویل استاد دانشکده حقوق دانشگاه ایلینویز آمریکا رجوع کنیم. او که به مسائل حقوقی آشناست، طی اظهارات مفصلی که به صورت مجزا و با توضیحات ارائه می‌شود، چنین استدلال می‌کند که سیاست‌های خود دولت کارتر، عامل اصلی گروگانگیری اعضای سفارت آمریکا در تهران بوده و ایرانیان به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد، از حق دفاع مشروع برخوردار بوده‌اند. او در ابتدا دولت کارتر را به علت پذیرش محمدرضا پهلوی، شاه مخلوع ایران در آمریکا، مقصر اصلی واقعه گروگانگیری

می‌داند و تأکید می‌کند که وی با آگاهی از خطرات این کار چنین اقدامی را انجام داد. این استاد حقوق آمریکایی، عملکرد دانشجویان پیرو خط امام را منطبق بر ماده ۵۱ منشور ملل متحد می‌داند، که در آن آمده است: «در صورت حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم

برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را انجام دهد، به هیچ یک از مقررات منشور حق دفاع از خود، چه فردی یا دسته جمعی، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال حق دفاع از خود، انجام می‌دهند، به شورای امنیت گزارش دهند. این کارها در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد، می‌تواند اقدام لازم را انجام دهد تأثیری نخواهد داشت این حقوقدان در توضیح بیشتر استدلال خود چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «براساس این واقعیت‌ها می‌توان به طور متقن و موجه استدلال کرد که بازداشت دیپلمات‌های آمریکایی، استیفای مشروع حق دفاع فردی ملت ایران، طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد بود. این دفاع با توجه به شرایط وخیم آن زمان، بر تعهدات ایران ناشی از بندهای ۳ و ۴ ماده ۲ و ماده ۳۳ منشور ملل متحد و بر کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، راجع به روابط دیپلماتیک و نیز کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، راجع به روابط کنسولی و کنوانسیون ۱۹۷۳، راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک، مقدم بود این حقوقدان آمریکایی همچنین در بخشی از مطالب خود، با توسل به نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه که ساخته و پرداخته

تسخیر لانه جاسوسی که غرب از آن به عنوان بحران گروگان‌گیری در ایران یاد می‌کند، یکی از اتفاقات مهمی است که نقطه عطفی در روابط ایران و آمریکا به حساب می‌آید. شدت اهمیت آن را میتوان از تعبیر امام خمینی رحمه الله علیه که این اتفاق را انقلاب دوم نامیدند، دریافت. این واقعه در ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ اتفاق افتاد. این حرکت انقلابی توسط دانشجویان پیرو خط امام که در ابتدا دارای هسته‌ای متشکل از ۵ دانشگاه اصلی در تهران یعنی دانشگاه صنعتی شریف، پلی‌تکنیک تهران، دانشگاه تهران، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه تربیت معلم بودند و بعدها بنیانگذار دفتر تحکیم وحدت شدند، اجرا

شد. در جریان این تسخیر ۶۶ دیپلمات آمریکایی دستگیر شده و این مسئله به یکی از بحران‌های بین‌المللی برای آمریکا تبدیل شد. دولت آمریکا برای حل این بحران به راه‌های مختلف سیاسی، حقوقی و حتی نظامی که واقعه طبس باشد متوسل شد. انگیزه دانشجویان برای این حرکت انقلابی تحرکات سلطه‌جویانه



و جاسوسی‌هایی از طریق سفارت بود که پذیرش محمدرضا پهلوی توسط آمریکا مسبب‌الاسباب این ماجرا شد. این ماجرا علاوه بر واکنش‌های گسترده خارجی، واکنش‌های داخلی اعم از استعفای دولت موقت مهندس بازرگان داشت. این بحران نهایتاً در ۳۰ دی ماه ۱۳۵۹ و بعد از ۴۴۴ روز با پذیرش قرارداد الجزایر و با شروط و تعهداتی از سوی طرفین پایان یافت ولی اثرات آن همچنان پابرجاست به موجب این قرارداد طرفین متعهد گردیدند که

۱. ایران دیپلمات‌های آمریکایی را آزاد کند.
۲. آمریکا فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ و تحریم‌های تجاری و اقتصادی. را لغو و دارایی‌های مسدود شده ایران را آزاد کند.
۳. هر دو کشور متعهد شوند که طرح دعاوی قضایی اتباع آن‌ها و دولت‌ها علیه یک‌دیگر، در دادگاه‌ها و نهادهای قضایی بین‌المللی را پایان داده و دعاوی خود را به نهادی موسوم به دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا ارجاع دهند.
۴. آمریکا می‌بایست اطمینان دهد که هر گونه تصمیمات دادگاه‌های آمریکا در رابطه با انتقال دارایی‌های محمدرضا شاه و حکومت پیشین ایران را مستقل از «اصل مصونیت شاه» اجرا خواهد کرد.
۵. بدهی‌های ایران به نهادهای آمریکایی پرداخت شود.
۶. آمریکا در امور داخلی ایران (چه از لحاظ سیاسی و چه نظامی).

مقامات آمریکایی بود، سعی می‌کند تا اشغال سفارت آمریکا در تهران را منطبق بر مبانی فکری مقامات این کشور نشان دهد: «می‌توان در این باره، به دکتترین دفاع مشروع پیشگیرانه که به وسیله وزیر خارجه وقت آمریکا **دانیل وبستر** عنوان شد، اشاره کرد. ضابطه هم این است که ضرورت توسل به دفاع از خود فوری و همه جانبه شود و هر نوع انتخاب، وسیله و فرصتی برای مشورت و تأمل را از بین می‌برد. اگر از دید ایرانیان به این قضیه نگاه کنیم، دیپلمات‌های آمریکایی بر مبنای همین دکتترین دستگیر و بازداشت شدند. چرا که هدف، جلوگیری از وقوع یک کودتای ویرانگر و شاید همراه با خونریزی با حمایت آمریکا بود که به طور آشکار مغایر حقوق بین‌المللی تلقی می‌شد مخالفان.

طبق ماده ۲۲ کنوانسیون وین که جمهوری اسلامی ایران . نیز به آن ملحق گردیده

- ۱ اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأمورین دولت پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.
- ۲ الف) دولت پذیرنده وظیفه خاص دارد که کلیه تدابیر لازم را به منظور این که اماکن مأموریت مورد تجاوز و خسارت قرار نرفته و آرامش و شؤون آنمتزلزل نگردد، اتخاذ نماید.
- ۲ ب) در صورتی که اماکن مأموریت مورد حمله قرار گیرد، دولت پذیرنده کلیه تدابیر لازم را برای تعقیب و مجازات افرادی که مرتکب حمله شده‌اند، بهعمل خواهد آورد.
- ۳ اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و سایر اموال موجود در آن و وسائل نقلیه

مأموریت مصون از تفتیش و مصادره و توقیف یا اقدامات اجراییخواهد بود

بنابراین هر دولتی باید اولاً مأموران خود را از هرگونه تجاوز به محل سفارت و منزل سفیر منع نماید و ثانیاً این اماکن را از تجاوز و حمله ی افراد عادی حفظ کند . و در صورت حمله متخلفین را مورد مجازات قرار دهد با توجه به اطلاق کنوانسیون وین هیچ گونه استثنائی برای آن نمی توان قائل شد و عرف بین المللی هم مصونیت دیپلماتیک بیقید و شرط را در نظر گرفته است. برخی معتقدند که هرگاه دولتی دلائل کافی مبنی بر توطئه علیه امنیت کشور و یا هر اقدام خلاف دیگری در دست داشته باشد و یا واقعه ی ضدامینیتی در حال یا شرف وقوع باشد می تواند بدون اجازه ی مأمور دیپلماتیک وارد سفارت خانه یا محل زندگی سفیر شود. البته این نظر با مخالفت های زیادی

مواجه شده است. زیرا امکان دارد دولتی خود زمینه های مذکور را ایجاد نماید و به بهانه ی آن مصونیت دیپلماتیک را از بین ببرد. بنابراین حتی قانون داخلی هم نمی تواند مصونیت دیپلماتیک را سلب نماید و نباید به خاطر موارد نادر مصلحت کلی را فراموش نمود. اصل مصونیت در حقوق بین الملل کنونی به یک اصل آمره ارتقا یافته است . که حتی در راستای اقدامات متقابل هم پذیرفته نیست در دعوی تسخیر لانه جاسوسی که طی آن دانشجویان پیرو خط امام به سفارت آمریکا حمله کرده و آنجا را مورد تعرض و تصرف قرار داده بودند و به اسناد جاسوسی آمریکا دست یافتند دیوان دادگستری بین المللی در رأی مورخ ۴ می ۱۹۸۰ ضمن مسئول دانستن جمهوری اسلامی ایران به جهت کوتاهی در حفاظت از سفارت آمریکا، اصل مصونیت را یکی از اصول مسلم حقوق بین الملل معرفی نموده و بیان می دارد: «حکومت ایران نه تنها بر اساس روابط قراردادی با دولت ایالات

متحده بلکه بر اساس اصول مقررات حقوق بین المللی عمومی وظیفه ی حمایت از دیپلمات های آمریکائی را بر عهده داشته است.» همان گونه که اشاره شد بر اساس کنوانسیون وین در صورتی که اماکن مأموریت دیپلماتیک مورد حمله قرار گیرد، دولت پذیرنده موظف است کلیه تدابیر لازم را برای تعقیب و مجازات افرادی که مرتکب حمله شده‌اند، بهعمل بیاورد همانطور که مشاهده هر طرف استدلال هایی برای نظر خود بیان می کنند که هر کدام نیز با ارائه دلائل محکم و منطقی همراه است. حال باید عقل و وجدان را قاضی و یکی از این

استدلال ها را قبول کرد. آنچه که عیان است سوء استفاده ایالات متحده آمریکا از قوانین حقوق بین الملل و دست مایه قرار دادن آن برای وصول به اهداف شوم خود است که با همین قوانین همانطور که مشاهده کردید میتوان این حرکت انقلابی را اثبات و از آن حمایت و دفاع کرد محمد حسین یعقوبی



گزارش پرونده: دوازدهم اسفندماه سال ۱۳۹۲، خانواده دختری به نام غزاله شکور، به دنبال عدم بازگشت دخترشان به خانه به پلیس ۱- آگاهی مراجعه کردند. طبق تحقیقات پلیس، مقتوله برای مراجعه به مطب پزشک پوست از خانه خارج و بعد از آن مفقودالاثر شد. او آخرین بار حوالی منزل خانواده آرمان عبدالعالی (قاتل احتمالی پرونده و کسی که غزاله شکور قصد ازدواج با او را داشت)، مشاهده شده بود. پلیس جهت تکمیل پرونده، با آرمان عبدالعالی گفتگو کرد: غزاله نزدیک خانه ما بود اما هرگز خانه ما نیامد. بعد از مصرف داروی ضدآلرژی، خوابم برد. خبری از او ندارم. مانند بخش معتنی بهی از پرونده های قتل، اعترافات ضدونقیض مظنون احتمالی، پرونده را پیچیده تر کرد. در مرحله بعدی و هنگام صحبت با بازپرس دادسرا، مظنون اعتراف به قتل کرد: (غزاله خانه ما آمد و گفت که قرار است برای تحصیل مهاجرت کند. جروبوچثمان شد، من از پله هلش

دادم و سرش خونریزی کرد. خیلی ترسیده بودم. او را داخل کیسه زباله گذاشتم و نزدیکی سطل زباله ای در میدان مینا بردم.) اما ده ماه بعد (مورخ چهار دهم دی ۱۳۹۳)، اعتراف قتل را انکار کرده و گفت:



پله ها خیس بود. سرخورد و سرش خونریزی کرد. او را داخل خانه کشیدم تا کمکش کنم. اما آن قدر ترسیده بودم (که او را نزدیک سطل زباله ای در میدان مینا گذاشتم شبها: شهریور ماه ۱۳۹۵، وکیل آرمان دلایل جدیدی مبنی بر زنده بودن غزاله شکور به دادگاه ارائه کرد: ۱- تمدید بیمه - ۲- تمدید مرخصی ۲- از دانشگاه. در نهایت دادگاه اجرای حکم را به منظور بررسی بیشتر به مدت دو سال متوقف کرد اما در این مدت شبها مذکور رد شدند. در مورد تمدید بیمه، والدین مقتوله توضیح دادند که بیمه دخترشان، نوعی بیمه خویش فرما بوده و به شکل خودکار تمدید شده. بنابر توضیحات مادر مقتوله، دخترش برای تحصیل در خارج از ایران، از دانشگاه مرخصی گرفته بود. زمان اتمام مهلت مرخصی، مادر او ماجرا را تعریف کرده و مسئولین دانشگاه جهت تسکین مادر اقدام به تمدید مرخصی کردند. با توجه به توضیحات والدین مقتوله و بررسی های مقام قضایی، هر دو شبهه مرتفع شد و دادگاه روز یازدهم دی ماه ۱۳۹۸ را جهت اجرای حکم قصاص اعلام کردند ارائه مصادیق مشابه: قتل ستایش، دختر افغان تبار در

ورامین- قتل روح الله داداشی، قهرمان بدنسازی. مرتکبان قتل در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال داشتند. ۳- بررسی حکم: کیفر سلب حیات برای افراد زیر هجده سال، یکی از چالشی ترین مسائل حقوقی است. مخالفان این مجازات، حکم قصاص را با استناد به کنوانسیون حقوق کودک، نفی می کنند. این گروه معتقدند بلوغ معیار کافی برای تعیین مسئولیت کیفری افراد نیست. در حقیقت آنچه اهمیت دارد این است که فرد رشد عقلی کافی برای آگاهی به آثار عمل خود را داشته باشد. چه بسا فردی هنگام ارتکاب جرم به بلوغ رسیده باشد اما کمال عقل او محرز نشود. نگاه قانون: قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، رسیدن به سن بلوغ را موجب مسئولیت کیفری کامل دانسته و در صورت محرز شدن قتل عمد، حکم به قصاص داده است. بعدتر قانونگذار در ۵-ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۲)، برخلاف قانون اسبق، سعی بر تعدیل کیفر افراد زیر هجده سال داشته است. ماده ۹۱ ق.م.ا (در جرایم موجب حد، هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت یا حرمت جرم را درک نکنند یا در کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنان به مجازات های مقرر محکوم می شوند.) شرایطی را برای عدم قصاص

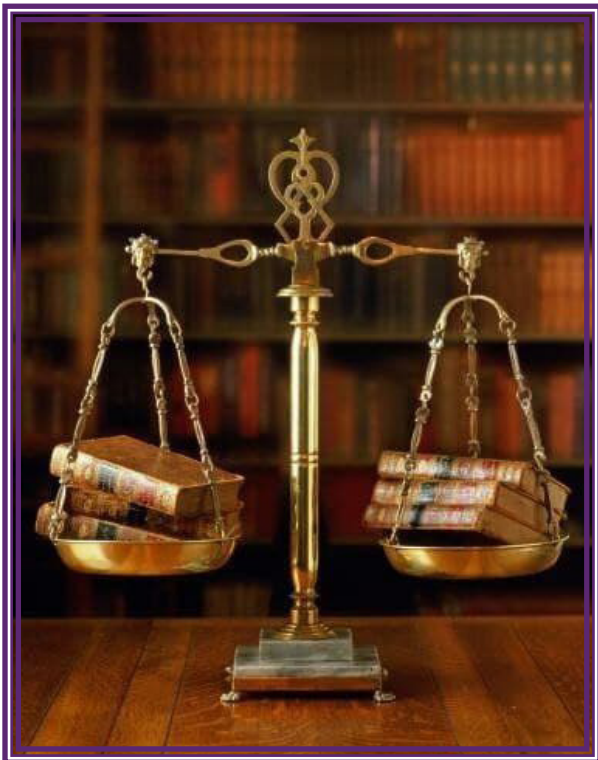
افراد بالغ زیر هجده سال (دختران ۹ تا ۱۸ سال و پسران ۱۵ تا ۱۸ سال) پیش بینی کرده است. محاکم می بایست با استناد به مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، این گروه از افراد را به جایگزین مجازات قصاص یعنی نگهداری در کانون های اصلاح و تربیت (از سه ماه تا پنج سال) و پرداخت جزای نقدی (از یک تا چهار میلیون ریال) یا ارائه خدمات عمومی رایگان (از شصت تا هفتصد و بیست ساعت) محکوم کنند. در مورد جرایم حدود و قصاص هم مجازات برای افراد بالغ زیر ۱۸ سال همان مجازات پیش

بینی شده در قانون است و حتی اگر فرد زیر ۱۸ سال باشد و به قصاص محکوم شود، حکم وی قابل اجراست. صحبت آخر آنکه نمی توان مرتکبان قتل عمد زیر هجده سال را به آسانی به مجازات سلب حیات نفس محکوم کرد. در حقیقت این کیفر برای این گروه از افراد احتیاج به بحث و بررسی مفصلی دارد چرا که از طرفی قانون افراد بالغ زیر هجده سال را واجد صلاحیت لازم برای اموری مانند اخذ گواهی رانندگی، انجام معاملات رسمی، استخدام در ادارات و ... نمی داند و از طرف دیگر در صورت ارتکاب جرم، آنان را دارای مسئولیت کیفری کامل تلقی می کند.

منابع ۱. امانی، محمدصادق، قتل عمدی و مجازات افراد زیر هجده سال در نگاه قانون، وبسایت مگیران [www.magiran.com](http://www.magiran.com) ۲- روزنامه ایران، ۱۳۹۰، شماره ۵۰۲۱، قصاص نوجوانان زیر هجده سال، آری یانه؟

۳- بیگ زاده، صفر، ۱۴۰۰، مجموعه قوانین صبا، انتشارات کلک صبا مهدیس گلستانی

می‌شود. چرا که فلسفه‌ی اقامتگاه اصلا برای این است که شخص به واسطه‌ی شخصیت حقوقی که پیدا می‌کند ملحق به یک محلی باشد که اشخاص دیگر در روابط مختلف حقوقی که با وی برقرار می‌کنند، در شرایط مختلف برای دسترسی به وی به آنجا رجوع کنند. اقامتگاه صغیر و مجنون نیز همان اقامتگاه ولی و یا قیم آن‌هاست. در خصوص اقامتگاه اشخاص حقوقی نیز اختلاف نظرهایی به واسطه‌ی تعارض ظاهری بین مواد ۱۰۰۲ قانون مدنی و ۵۹۰ قانون تجارت وجود دارد که در نهایت نظر مرکز اداره اصلی شرکت یا امور مهم شخص حقوقی به عنوان اقامتگاه شناخته می‌شود. ۵- طلاق رجعی: پس از جدایی زن و مرد، به واسطه‌ی، اغلب.



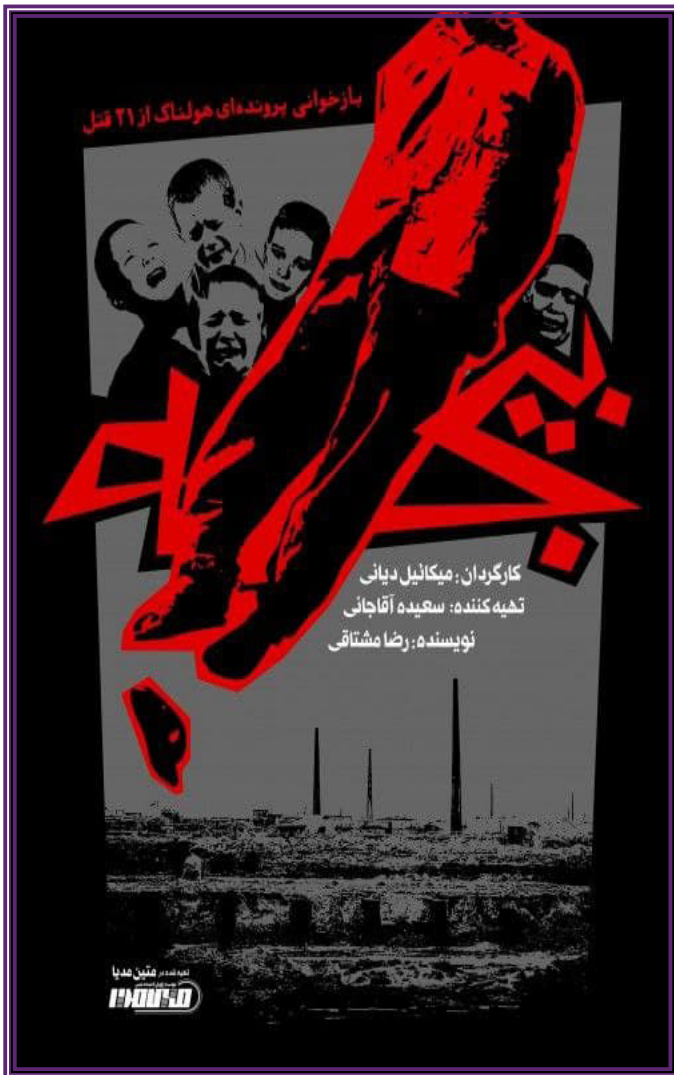
مسائل مربوط به نسب و اولاد زن باید مدتی صبر کند و تا انقضای آن نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند که به این مدت عده گفته می‌شود. حال با توجه به اینکه شوهر مس از طلاق همسر خود در این مدت می‌تواند به وی، بدون نکاح جدید، رجوع کند یا خیر طلاق تقسیم‌بندی می‌شود به بائن و رجعی. در طلاق رجعی مرد می‌تواند در مدت عده به همسر خود رجوع کند (ماده ۱۱۴۸ ق.م). این رجوع از نوع ایقاع است و تنها به اراده‌ی شوهر واقع می‌شود. البته باید اشاره کرد در طلاق‌ی که به درخواست زن، دادگاه حکم به آن کرده‌است، شوهر در زمان عده حق رجوع ندارد هرچند که طبیعت طلاق رجعی باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ص ۷۵۰).

محمد متین میلادی

۱-دفینه:همانگونه که از نام آن پیداست، دفینه به مالی اطلاق می‌شود که به موجب ماده‌ی ۱۷۳ قانون مدنی در زمین یا بنایی دفن شده باشد. البته نکته‌ی مهمی که در اینجا وجود دارد این است که در انتهای ماده ذکر شده‌است که این مال برحسب اتفاق و تصادف پیدا می‌شود و باید دید آیا این قید بخشی از تعریف دفینه است یا اینکه به جهت اینکه در غالب موارد اینگونه است ذکر گردیده؟ دکتر جعفری لنگرودی معتقد است دفینه باید تصادفا یافت شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۳۰۶). اما دکتر کاتوزیان اعتقاد دارد که این قید بخشی از تعریف دفینه نیست و مالی که به قصد یافتن آن یا در نتیجه‌ی حفاری هم پیدا شده را باید دفینه بدانیم (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ص ۱۷۷). دفینه از این جهت اهمیت دارد که اگر مالک آن معلوم نباشد متعلق به کسی می‌شود که آن را یافته‌است؛ البته به شرطی که در زمره‌ی آثار ملی و میراث فرهنگی نباشد که در این صورت باید تسلیم دولت شود. سایر احکام مربوط به دفینه را می‌توان در باب پنجم کتاب دوم قانون مدنی مطالعه نمود. ۲-اقاله: وقتی عقدی بین دو شخص منعقد می‌گردد، و به تبع آن تعهداتی برای طرفین ایجاد می‌شود، این تعهدات به طرق مشخصی می‌توانند پایان پذیرند که یکی از این طرق به موجب ماده‌ی ۲۶۴ قانون مدنی اقاله می‌باشد. اقاله به معنای تراضی و توافق طرفین برای برهم زدن عقد و به قولی، تفاسخ آن می‌باشد. یعنی طرفین عقد با یکدیگر بعد از معامله و عقد توافق کنند تا تعهدات ناشی از عقد را ساقط نمایند. این عمل با هر لفظ یا فعلی که دلالت بر اراده‌ی طرفین مبنی بر برهم زدن عقد باشد، محقق می‌شود. برخی معتقدند که اقاله خود نوعی عقد است (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، ش ۸۷۴). اما از سوی دیگر برخی معتقدند که چون اقاله تعهدی ایجاد نمی‌کند بلکه ساقط کننده‌ی (تعهدات پیشین است عقد مستقلی نیست (امامی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۷). ۳-خیار تبعض صفقه: این نوع از خیار، که برای مشتری حق فسخ ایجاد می‌کند، بدین معنا که مشتری را قادر می‌سازد تا به موجب فریبی که در معامله خورده‌است، تعهدات را از بین ببرد و ثمن خود را بازستاند. خیار تبعض صفقه، با این تلفظ سختش!، وقتی محقق می‌شود که بیع مشتری نسبت به بخشی از مبیع یا بعضی از اجزا مبیع به جهتی باطل باشد؛ برای مثال معلوم شود که بخشی از مبیع برای دیگری بوده‌است. و در این صورت مشتری این حق را پیدا می‌کند که یا بیع و معامله را کلا فسخ نماید، یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده آن را قبول کرده و به نسبتی که بیع باطل بوده ثمن را استرداد کند (ماده ۴۴۱). البته این موضوع وقتی قابلیت اجرا دارد که این بخش مورد نظر قابل تجزیه و انتقال جداگانه باشد (و در برابر قسمتی از ثمن قرار گیرد) (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ص ۳۶۵). ۴-اقامتگاه: اقامتگاه که یکی از شاخصه‌های اشخاص می‌باشد، یعنی هر شخصی به واسطه‌ی دارا شدن شخصیت، لاجرم اقامتگاهی نیز خواهد داشت، برای هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت دارد و مرکز امور مهم او نیز در همانجا باشد. البته اگر محل سکونت شخص در جایی غیر از مرکز امور مهم وی باشد مرکز امور مهم شخص اولویت داشته و اقامتگاه محسوب

بیجه پس از آزادی تا ۵۰ روز دست به جرم نمی‌آید؛ به نظر میرسد هیبت دستگاه قضا با آن که در واقع هیچ نکرده است، تا پنجاه روز دوام می‌آورد اما پس از آن رفته رفته بازدارندگی از بین رفته، بیجه دوباره زنجیر قتل و تجاوز را از سر می‌گیرد خانواده های قربانیان که بخشی از آنها ایرانی و بخشی افغان بوده اند، پیگیری هایی میکنند اما دستگاه قضا بی توجه

مستند بیجه به کارگردانی میکائیل دیانی باب سخن از مکنونات را با پرداختن به پرونده ای از اوایل دهه هشتاد در پاکدشت گشود این مستند با زبانی صریح پرده از قتل ها و تعرض های محمد بیجه نسبت به کودکان پرده بر میدارد. تنوع و تعدد جنایات از یک سو و خشونت و شدت آنها از سوی دیگر، این پرونده را جدی و قابل بررسی میکند. قربانیان محمد بیجه بیش از همه کودک اند؛ اما او حتی از بزرگسالان حیوانات هم غافل نبوده است! طبق ادعای خود بیجه، او ابتدا حیوان آزاری را آغاز کرده، پیش از کشتن سگ ها با آنها صحبت یا حتی نوازششان میکرد و درباره پایان حیاتشان با آنها صحبت میکرد و پس از اینکه هیچ واکنش یا پاسخی از جانب سگ ها دریافت نمیکرده، آنها را به قتل میرسانده است. وی اظهار میکند هنگامی که میخواست کودکان را به قتل برساند، کودکان التماس میکردند، داد و فریاد میکردند اما بیجه مثل همان سگ، واکنشی نسبت به عجز و لابه ها نداشته و کار را تمام میکردند است در طول مستند چندین بار اشاره میگردد که بیجه در کودکی خویش مورد آزارهای بدنی و جنسی قرار گرفته است؛ آزارهایی که به نظر میرسد تاثیر جدی بر جنایاتش در بزرگسالی داشته اند؛ مستند تا حدودی سعی در واکاوی روانشناختی شخصیت و عقده های بیجه دارد. البته با توجه به وخامت و شدت موضوع انتظار میرفت عمیق تر و بیشتر به ابعاد روانشناختی پرداخته شود؛ در ابتدای مستند اشاره میشود که بیجه مورد مصاحبه با روانشناس قرار گرفته است اما تا نیمه های پایانی مستند خبری از تحلیل روانشناسی نمیشود، در بخشهای واپسین، به طور محدود صحبت هایی میشود اما داده علمی زیادی به مخاطب اضافه نمیکند؛ در همین سطح میماند که رشد روانی بیجه تا سن هفت سالگی سیر منطقی تودش را طی نکرده، وی در سن ۳ سالگی مادرش را از دست داده، محبت کافی ندیده، رفتارهای خشن پدرش هم مزید بر علت شده است، رهاکردن اجباری تحصیل علیرغم میلش و کار اجباری از حدود ۱۱ سالگی و چند بار مورد آزار قرار گرفتن زمینه های فروپاشی شخصیت وی را فراهم کرده است. وی در سن جوانی علیرغم ظاهر آرام و معاشرت های سطحی، هیچ دوستی نداشته است و تنها دوست وی در دوره نوجوانی، اهل دزدی، استعمال عریقیات و مواد مخدر بوده و در سنی حدود ۱۵ سالگی خودکشی موفق نموده است در این مستند اشاره میشود که محمد بیجه به دلیل شرایط فرهنگی ضعیف و فقر و همچنین از دست دادن مادرش مورد طعن اطرافیان بوده است و برجسب هایی که در کودکی به او خورده است، در کنار تجربیاتی که از مورد آزار قرار گرفتن داشته است، خیلی زود یک جنایتکار تمام و کمال ساخته است مستند به شدت روی ساختارهای فرهنگی ضعیف، کاستی های دستگاه قضا و نیروهای انتظامی، محیط ناسالم و محدود، فقر مالی و فرهنگی، نبود آموزش های لازم به کودکان و مواردی از این قبیل تاکید میکند دستگاه قضا تا جایی ناکارآمدی خود را اثبات میکند که یک بار متهم را دستگیر میکند اما به دلیل کثرت پرونده ها تحقیقات و بازپرسی های کافی به عمل نیآورده، بیجه را علیرغم ارتکاب چندین فقره کودک آزاری و قتل آزاد مینماید!



است؛ حتی پس از اینکه بر دستگاه قضا محرز میشود که کودکان بسیاری دارند کشته و مفقود میشوند، ترجیح میدهد به جای برقراری امنیت واقعی، توهم امنیت را در افکار عمومی بپروراند؛ در حالی که به فاصله ۱۰۰ متر از منطقه مسکونی، یک فضای بی دفاع شهری در کوره پزخانه ها شکل گرفته که فاقد روشنایی، عابر، مغازه، پلیس و هرگونه عنصر امنیتی است در مستند اشاره میشود که خانواده های قربانیان پس از ناامیدی از دستگاه قضا، به سراغ امام جمعه پاکدشت میروند و او از طریق شورای تامین موضوع را پیگیری مینماید در مستند اشاره مستقیمی نمیشود که پس از آن جریان پرونده به چه صورت پیش میرود؛ اما از این ماجرا دو نکته قابل برداشت است در دادگستری برابری صداها وجود ندارد، صدای قربانی ۱. به گوش نمیرسد، قربانی حتما باید به یک مقام نزدیک به حاکمیت متصل شود تا بلکه به واسطه او بتواند دادش را بستاند ۲. وضعیت فعلی به نظر میرسد وجود نهادهای مکمل غیرقضایی

به عنوان واسطه بین مردم و دادگستری لازم است؛ به طور معمول سازمان های مردم نهاد یا مددکاران اجتماعی باید این وظیفه را ادا کنند اما در بحران های اینچنینی که جای خالی آنها هم به چشم می آید، باز وجود و دخالت مقامی مثل امام جمعه به از نبود آن است. در پایان بیجه مفسد فی الارض شناخته شده، علاوه بر ۱۰۰ ضربه شلاق حدی، به اعدام محکوم میگردد. وی در ملا عام اعدام میشود، اما مع الاسف پس از آن مردم به تصور اینکه یگانه عنصر ناامنی به درک واصل شده است، احساس امنیت میکنند یا به عبارت بهتر توهم امنیت میزنند؛ در حالی که شاید بهتر باشد بگوییم ساختار معیوب و جرم خیز بیجه را بیجه کرده، نه آن که بیجه ساختار را جرم خیز کرده باشد. برقراری امنیت واقعی شهروندان، صرفا در گرو حذف فیزیکی یک عنصر مجرمانه نیست، بلکه نیازمند اصلاح ساختارهای جرم زاء، اقدامات تأمینی، بهبود وضع فرهنگ و معیشت مردم در حومه ها و مناطق جرمخیز و در صدر همه آنها، آموزش اوی مستقیم به کودکان است، کودکان، بزه دیدگانی بی دفاع و خاموش در برابر جرایم خشن و جنسی، که در صورت غفلت های امروز، بزهکاران خشن فردا خواهند بود.

سیمین ربیعی